

گذر زیستاری ایران و ایرانی به توسعه یافتگی

حل مسالمت آمیز ۱۱ بحران

پاسخ دکتر حسین سیف‌زاده
به پرسش‌های گفتمان الگو

محمدجواد استادی - مصطفی غفاری

شده تا مانند همه دنیای توسعه یافته، کشته شدگان غیر مسلمان جنگ تحمیلی نیز به زینت مفهوم مقدس شهید آراسته شوند.

اما کشور و سرزمین معطوف به حاکمیت اگر با دو مفهوم «ملت» (مردم دارای حاکمیت: ملت در مفهوم جمعی و شهروند در مفهوم فردی) و «حکومت» (مدیریت مسئول اعمال حاکمیت ملت) همراه شود، آنگاه مفهوم مبتنی بر قرارداد ملت-دولت (Nation-state) درست می‌شود. با عنایت به اینکه در ایران، فعالان سیاسی به قوه مجریه، دولت می‌گویند و به بالاترین مقام دولتی لقب حاکمیت را می‌دهند و گروهی از آنان ملت را با امت و یا با طبقه و یا با قومیت اشتباه می‌گیرند، پس فاصله زیستاری ما با زیستار توسعه یافتگی مدرن آشکار می‌شود.

با توضیح فوق، مفهوم ملت چون دارنده امتیاز برای اعمال حاکمیت انسان‌های به هم پیوسته‌ای است که طبق قرارداد قانون اساسی سرنواخت خود را مشترک دیده‌اند، پس به درجه برجستگی بین دو مفهوم حکومت و کشور در تعریف از دولت (state) می‌رسد و حاکمیت تجلی اراده اوست. این وضعیت زیستاری را من «زیستار فردیت» می‌دانم. زیستار فردیت زیستاری است توأم با بی‌همتایی فردی در جمع، اما نه به صورت فردگرایی لیبرالی و نه به صورت ذوب‌شدگی جمع‌گرا و قبیله‌ای. فردیت فرد در درون کشور و یا در فضای جمعی به لقب «شهروندی» مزین است و فردیت کشور در جامعه بین‌المللی به «دستاوردها و جایگاه»ش در عرصه جهانی. سوئد و آمریکا امروزه از دو منظر به بی‌همتایی در جامعه جهانی رسیده‌اند. این بی‌همتایی ناشی از مبانی فرهنگی کشور است که به هر دوی آن‌ها قدرت نمادین داده است. در حالی که هم‌زاین لیبرال سیاسی - اقتصادی (و عقب‌افتاده فرهنگی - اجتماعی) هم چین صرفاً

توسعه سیاسی در منظومه کلی
توسعه یک کشور چه جایگاهی
دارد؟

اولاً «با تلاش جانکاه بیش از یک قرن ایرانیان، می‌توان به دشواری به ایجاد توسعه پرداخت. افرادی از عباس میرزا تا مستشارالدوله، تیمورتاش و تقی‌زاده، بهار و فروغی در زمان پهلوی اول تا قوام و مصدق تا هویدا در دوران پهلوی دوم و کسانی در جمهوری اسلامی، همت، تلاش و حیثیت خود را در این راه وقف کردند، تا به کلام حافظ دریابند: الا یا ایها لسانی ادر کاساً و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها یا با ندای عشقی در زمان پهلوی، سزای این چنینی بیند

به جرم آن که هواخواه ملت و وطن گهی شکنجه نصیبم، گهی قفس وطن با تعهد اخلاقی به اعتلای میهن و هم‌میهنان، می‌توان بحث را با ابهام‌زدایی از تعریف «مفهوم نامناسب توسعه» آغاز کرد. توسعه سیاسی در واقع مفهوم جالافتاده غلطی است برای شکوفایی (Development) و از «در بسته بودن در آمدن». برای اینکه در دام بازی لفظی نمائیم، بیشتر به «معنای زیستاری» این مفهوم می‌پردازیم. ثانیاً شما مفهوم توسعه سیاسی را به کشور پیوند دادید. اگر توسعه یافتگی به مفهوم مدرن آن در نظر باشد، آنگاه کشور محلی جغرافیایی است که مفهوم حاکمیت انسانی تجلی زیستار توسعه یافتگی است که برای پیاده شدن در مرزهای جغرافیایی خاصی به نام کشور محقق می‌شود. توسعه یافتگی به معنای مدرن به کشور قداستی قانونی می‌دهد که از تعرض هر قدرت برتری در امان ماند. همانند حوزه حراست از زندگی مومنان در جامعه دینی، کشته شدگان در راه استقلال کشور را شهید می‌نامند. دستیابی به میزانی از توسعه حتی موجب

سیدحسین سیف‌زاده استاد بازنشسته دانشگاه تهران و استاد نیمه وقت کالج راکوایل آمریکا، فوق دکترای علوم سیاسی از دانشگاه هاروارد و متخصص در زمینه روابط بین‌الملل است. او آثار تالیفی و ترجمه‌ای فراوانی در این قلمرو دارد که برخی از آن‌ها در انتظار مجوز چاپ در ایران هستند و برخی دیگر مانند کتاب «نوسازی، توسعه و دگرگونی سیاسی» - که به بررسی ۱۵ مدل بدیل و رقیب در حوزه توسعه و دگرگونی سیاسی می‌پردازد - از بهترین متون تخصصی برای دانشجویان و دانش‌پژوهان علوم سیاسی به‌شمار می‌روند.

وی دعوت ما برای گفت‌وگو پیرامون مفهوم توسعه و مدل ایرانی آن را پذیرفته و با حوصله و دقت فراوان پرسش‌های ما را به شکل مکتوب پاسخ گفته است. پاسخ‌هایی که به گفته او، حاصل عمر و مطالعات و تحقیقات ۴۵ ساله است و برای پیشرفت ایران نوشته شده، نه برای دعوای سیاسی و جدل جناحی که وی آن را «مانع توسعه میهن» می‌داند.

دیدگاه‌های سیف‌زاده در اینجا در دو بخش ارائه شده است. در بخش اول او مفصلاً و با ذکر مصادیق و شواهد دینی، تاریخی و ادبی توضیح می‌دهد که قبول و رعایت کرامت ذاتی و غیرقابل خدشه انسان‌ها، چگونه می‌تواند و باید مهم‌ترین مبنا در نگاه ما نسبت به توسعه باشد که لازمه آن نیز فراتر رفتن از سه رویکرد سنتی، بنیادگرا و احیاگرانه به مقولاتی مانند دین است. بر این مبنا سیف‌زاده در بخش دوم حل مسالمت آمیز ۱۱ بحران را برای گذار ایران به توسعه یافتگی پیشنهاد می‌کند اما پیش از آن مفهوم توسعه بومی و همچنین مفهوم پیشرفت (به جای توسعه) را به چالش می‌کشد.